



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۴ آگست ۲۰۱۹

خلیل الله معروفی

## بحثهای در دستور زبان دری

(قسمت سوم)

### چوکات - چارچوب - چارچوکات

#### بررسی لغات "دومادره"



میدانم و بسیار خوب هم میدانم، که بحثهای این قبیلی درخور سلیقه همه کس نیست. چه چاره، که بسا کسان حتی از نام "صرف" و "نحو" و "گرامر" و "دستور زبان" میترسند و از آن نفرت دارند، چه رسد بدین، که اوراق و صفحاتی را در زمینه از نظر مبارک خود بگذرانند. چه کنیم، که اصول و مقررات و ضوابط و قواعد و قوانین و ... در همه جای و در همه ساحات حکم "بیلو" و "دیوال شکسته" را به خود گرفته است.

در سراچه نظرگیری "آریانا افغانستان آنلاین" به غیر از نویسنده عالیقدر و دلسوز، "نوری صاحب"، دیگر کسی سری نزد چیزی ننوشت، که نزد و نوشت و نخواهد زد و نخواهد نوشت!!! با آن هم، خود را نومید نساخته و دینی را، که به گردن گرفته ام، اداء میکنم. سخن شهوار حضرت حافظ را مددگار خود طلبیده، میگویم:

من آنچه شرط بلاغ است با تو میگویم

تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال

با تأسف، که مردم عزیز و دوستداشتنی ما "غلط پسند" هستند و تا این پسند ناپسند را در خود پرورش میدهند، امکان بهبود ایشان هم میسر نیست. مگر:

مگر اگر در تمام پهنه خوانندگان و عیادت کنندگان "آریانا افغانستان آنلاین"، حتی یک نفر هم این مقالات را بخواند و از آن نفعی بردارد، این سلسله را برای او مینویسم و در قدوم مبارکش نثار میکنم!!!

مردم اصیل و قدیم و فهیم کابل ضرب الامثال زیبا و رسا و نافذی را ساخته اند، که هرکدام بر حکمت و فلسفه ای استوار است. از جمله این مثل:

"گوساله دومادره از بی شیری هلاک میشه"

مفهوم و فحوای این مثل را در مثل مشهور دیگری، که گوید "قصاب، که بسیار شد، گو(گاو) مُردار میشه" نیز به چشم سر میبینیم.

المانها مثل "گاو و قصاب" ما را اینطور در فرهنگ خود جای داده اند:

## Viele Köche verderben den Brei.

ترجمه به دری: اگر چندین آشپز یکجائی دست به کار شوند، آش را تباه میکنند. این مثل را ازین خاطر از زبان المانی نقل کردم، تا نشان بدهم، که بسا ضرب المثلها صبغت جهانی و عالمگیر دارند و در فرهنگها و زبانهای مختلف دنیا به اشکال ظاهراً متفاوت، ولی مُماثل، سراغ میگردند. در هر صورت این قلم فحوای مثل اول را در مرتبه ترکیب بسا کلمات دری سراغ دارد؛ کلماتی، که از نگاه بافت منطقی باید "ناجور" و "بیمار" و "مریض" تلقی گردند. ضمن این مبحث کوتاه بر چند "گوساله دومادره لغوی" نظری می اندازیم. و در رسته اول عنوان را بررسی میکنیم:

۱ - "چوکات" کلمه هندی ست، که در زبانهای ملی ما - دری و پشتو - عاماً رائج و متداول است و شاید کسی از اتباع وطن ما را سراغ کرده نتوانیم، که کلمه "چوکات" را نشناسد و عملاً استعمال نکند. مراد از "چوکات" همانا "قاب" است، که عکس را در آن جای میدهند. "چوکات" میتواند اشکال مختلف داشته باشد؛ از مثلث و مربع و مستطیل و بیضوی و دایروی و گرد گرفته تا "هشت رخ نه گرد". فارسی ایران اصطلاح "چوکات" را نمیشناسد و در عوض ترکیب "چارچوب" را استعمال میکند. گرچه کلمه "چارچوب" سابقه قدیم استعمال در زبان دری/فارسی دارد؛ چنان، که بیت ذیل شیخ فریدالدین عطار را به حیث شاهد مثال پیش میکشیم:

حضرت "عطار نیشاپوری" در کتاب مشهور "منطق الطیر" خود ضمن مقاله اولی در خطاب به "هدهد" چنین فرماید:

چارچوب طبع بشکن، مردوار

در درون غار وحدت کن قرار

(صفحه ۷۷ "منطق الطیر"، به تصحیح "حمید حمید" - چاپ چارم، ۱۳۷۰ نشر طلوع)

با وجود سابقه طولانی ترکیب "چارچوب" در ادبیات دری/فارسی، این نکته جدی را نباید از نظر دور داشت: با مد نظر گرفتن این واقعیت انکارناپذیر، که "چوکات" اشکال مختلف را میتواند به خود بگیرد، ترکیب "چارچوب"؛ یعنی متشکل از چار قطعه چوب، کاملاً نارسا و غیر ممثل است. بالخاصه وقتی میبینیم، که "چوکات" میتواند از چوب "یک تکه" و به اصطلاح شیرین عوام کابلی، "یک لخت" ساخته شده باشد، نارسائی کلمه "چارچوب" ثابت میشود. چون آنچه را زیر نام "چارچوب" میتوان تصور کرد، باید حتماً و لاجرم و لابد و ناچار از "چار قطعه" چوب ساخته شده باشد. در غیر آن "چارچوب" اسمی خواهد بود، بدون مسمای منطقی. تا اینجا در شرح و تحلیل ساخت لغوی "چوکات" و "چارچوب". مگر آنچه تاکنون در مورد "چوکات و چارچوب" گفتیم، همه مقدمه و تمهید بود، برای آنچه اینک می آید:

بعض وطنداران ما، که از "تقلید" هیچگاه و هرگز سیر نمیشوند - خاصتاً، که تقلید از "کارهای غلط" باشد - ابتکار بی منطق ذیل را به خرج داده اند. ایشان با الهام از ترکیب نارسای "چارچوب"، کلمه "چوکات" را نیز با پشتوانه و پیشوند "چار" گره زده و "چارچوکات" را ساخته اند؛ و "چارچوکات" ترکیبی ست سخت ناگوار و ابتر و مُنکر، که استعمال کننده آن را باید در گیر محتسبان طالبی بدهند، تا سزای این کار مُنکر خود را دریابند!!!

چون "چارچوکات" منطقی باید به ساختمانی اطلاق گردد، که از "چار" عدد "چوکات" ساخته شده باشد. خانه کابلیان اصیل و قدیم و فهیم آباد باد، که چاره چنین اشخاص "بدخور" و "مُنکرپسند" را سنجیده و پیش از پیش ضرب المثل گزنده و کوبنده "گوساله دومادره" را نثار ایشان کرده اند.

۲ - از جمله ترکیب "دومادره"، که به اصطلاح عوام کابلی "نر و مادیش مالوم نیس"، یکی هم کلمه "تبادله" است، که در بین مردم ما و در تعاملات دفتر و دیوان و بالخاصه در ترمینولوژی بانکهای افغانستان استعمال وسیع و انحصاری دارد، با وجودی، که عاری از منطق ساختمانی ست. نمیدانم، کدام آدم بدذوق و دشمن "دستور زبان" بوده است، که دو مصدر مشهور و مشروع "مبادله" و "تبادل" را باهم ازدواج داده و از آن نطفه حرام و نامشروع و قاطرمانند "تبادله" را بیرون آورده است؟؟؟ مبدع و

مخترع این کلمه گویا "تبا" را، که نصف اول یا سر "تبادل" است، بریده و در مُب "دله"، که نصف آخر "مبادله" است، چسپانده و از آن "تبادل" را ایجاد فرموده است. در مورد این ترکیب، که حکم دو و دُشنام به "شأن زبان" را دارد، ضمن مقالات سابقه ام به اندازه کافی روشنی انداخته ام.

۳ - ترکیبات "سنگ حجرالاسود" و "شب لیلة القدر" و "سی سپاره" و "اعلاتر" و "اولاتر" نیز از جمله لغات دومادره هستند، که متأسفانه از زبان و قلم وطنداران عزیز ما بسیار شنیده و دیده میشود. درینجا اما لاقلاً شرح مختصر لغوی هریک لازم می افتد، که اینک تقدیم میدارم:

a - "حجرالاسود" ترکیب کامل و شامل عربی - مرکب از "صفت و موصوف" - و در معنای "سنگ سیاه" است، ازین رو چسپاندن کلمه "سنگ" با آن کاملاً اضافی و در حدّ قمار است!!!

b - "لیلة القدر" نیز به عین شکل یک ترکیب مکمل و بسنده عربی و به معنای "شب قدر" است. بنابراین اضافه کردن کلمه علاوگی "شب" با آن، در حد لهُو و لعب است!!!

c - کلمه "سپاره" در اصل خود "سی پاره" و مراد از آن "سی پاره قران" است، که کل قرآن را دربر میگیرد. بناءً اضافه کردن یک دانه "سی" علاوگی در جلوش، کاری ست، سخت غلط و دور از منطق و منطوق کلام.

d - "اعلا"، که در عربی به شکل "اعلی" (با الف مقصوره) نوشته میشود، اسم تفصیل عربی و در معنای "عالی تر" است. پس علاوه کردن علامت تفصیل دری/فارسی "تر" با آن، کاملاً اضافی و دور از ساحة عقل سلیم است.

e - به عین قسم کلمه وصفی "اولی" (به فتحه حرف اول و الف مقصوره آخر) نیز، که اسم تفصیل عربی و در معنای "بهتر" است، اجازه چسپاندن "تر" اضافی و علاوگی را در عقب خود نمیدهد. البته ترکیب "اولاتر" در کلام قدمای جلیل و عظام نظم و نثر دری/فارسی - از قبیل خداوندگار بلخ، حضرت مولانای رومی و سعدی و حافظ شیرازی - نیز مشاهده میشود. مگر سخن غلط، غلط است، ولو از زبان بزرگترین و نامدارترین سخنوران هم شنیده شده باشد و شنیده شود!!!

استعمال "اعلاتر" و "اولاتر" به عین درجه سخیف و نارواست، که کسی "بهترتر" و "خوبترتر" بگوید، چنان، که از زبان عوام ما زیاد شنیده میشود. و ترکیبات نامبارک "بهترتر" و "خوبترتر" نیز در ردیف لغات "مبارک دومادره" می آیند!!!

۵ - مثال آخرین را از عُرف نامطبوع مطبوعات و میدیای ما می آرم، که مردم را مستقیماً از راه گوش تغذیه میکنند و زیر تأثیر خود قرار میدهند. مرادم از کلمه بی دُول و بدقواره "تشکری" ست، که به عوض "تشکر" استعمال میگردد. در مورد غلط بودن ترکیب "تشکری" قبلاً ضمن مقالات دیگرم به تفصیل سخن گفته ام.

اگر کسی علاقه داشته باشد، که کلمه نامبارک "تشکری" را از زبان مبارک ژورنالستان و گزارشگران افغان بشنود، برود و کلیپهای برادربر "صبح و زندگی" را از زبان آقای "همایون افغان" و کلیپهای "کمک به نیازمندان" را از زبان مبارک "اغابادر" و کلیپهای "کمره مخفی" را به تصدی آقای "ایمل نظری"، که به صورت گسترده و متراکم، از چوکات شبکه جهانی تلویزیون "آریانا" یا ATN پخش میشوند و از طریق "یوتوب" در دسترس همگان قرار دارند، بشنود. البته این یک نمونه مثال بود و مشتی بسیار بسیار کوچک از خرمن و خروار، چون استعمال "تشکری" به جای و به عوض لغت اصیل و اصولی و منضبط "تشکر" از زبان اکثریت قاطع مردم ما و بالخاصه از زبان عوام بسیار شنیده میشود. چنان، که تذکر دادم، در مورد "تشکر و تشکری" نیز طی مقالات مختلفم در وبسایت "آریانا افغانستان آنلاین" به اِشباع سخن گفته ام. (برلین - ۲۰ اگست ۲۰۱۹)

\*\*\*\* \* \* \* \* \*\*\*\*

چوکات - چارچوب - چارچوکات

Maroofi\_k\_Chaukaat\_chaarchoob\_charchaukaat\_۳.pdf